



نوجوان زیباست ، شاخه گلی زیبا  
 پس نیاز به باغبانانی خوش ذوق  
 دلسوز و آگاه دارد که با محبت  
 و مهارت ، مراقبش باشند و  
 پرورشش دهند .

۵

# روانشناسی نوجوان

**Glycogen** به خون می دهد، ضربان قلب را می افزاید و رگها را منقبض می کند...

۲ - چرا عواطف در نوجوان شدت می یابد؟

باتوجه به این مقدمه، کوتاه و علم به تغییرات ناگهانی و شگرف بدنی که از اختصاصات دوره بحرانی نوجوانی است بسادگی درمی یابیم که چرا عواطف شدید در این دوره بروز می کنند. گرچه همه آدمیان در سنین مختلف، کم و بیش اسیر احساسات و عواطف خود هستند ولی خطر پریشانی های روانی برای نوجوانان، از طبقات دیگر بیشتر است زیرا با فرارسیدن دوران بلوغ و تغییرات بدنی - که شرح آن در بخشهای پیشین گذشت - تمایل جنسیت و سایر خواهشهای عاطفی در ضمیر نوجوان بشدت بیدار می شود و او را از هر جهت تحت تأثیر خود قرار می دهد و چون عقل نوجوان هنوز به رشد نهائی و کمال طبیعی خود نرسیده لذا مانند دوران کودکی می توان گفت ناتوان است و قدرت مقاومت کافی ندارد.

در این شرایط "مزاج نوجوان همواره آماده هیجان و طوفان است، آماده تخریب و انقلاب است. او بیعت شدت تمایلات عاطفی همه چیز و همه کس را از پشت عینک احساسات می نگرد. یک تحریک کوچک، یک ضربه روحی، ممکن است او را منقلب کند و از راه اعتدال و درستکاری منحرف نماید."

بدین لحاظ نقش ظرفیت و آگاهانه مربی در این دوره قابل انفجار، اهمیت خود را نشان می دهد که چگونه باید با ادراک دقیق شرایط بدنی نوجوان و انگیزهها و نگرشهای او راه سلامت روحی و هدف یابی انسانی را به او نشان دهد. لکن اسفناک است که غالباً نقش

# نوجوان و مسئله عواطف

۱ - عاطفه یعنی چه؟

می گوئیم عاطفه، حال درونی انسانهاست و پیدایش آن، همچنین شدت و ضعفش بستگی به عوامل مختلفی دارد مثل وضع مزاجی شخص روشها، رغبتها، میلها، آرزوها و همچنین درجه تسلط وی بر خود و میزان خود آگاهی او. عاطفه هنگامی بروز می کند که آدمی بر اثر یک هیجان روانی و جسمانی ناگزیر به ابراز عکس العمل شود و شک نداریم چنانچه این واکنش درونی، عاقلانه تحت کنترل قرار بگیرد نتیجه مطلوبی خواهد داشت، اینجاست که نقش تربیت تجلی می کند. لذا نه تنها محرک عاطفه در ایجاد عاطفه موثر است بلکه روشن شخص تحریک شده نیز در پیدایش عواطف دخالت دارد. باین معنی محرک واحدی ممکن است زمانی یک عاطفه شدید وزمانی دیگری اثر ناچیز در آدمی ایجاد کند، همچنین محرک واحد در موارد و موقعیت های مختلف، عواطف متفاوت بوجود بیاورد.

ترشحات غدد داخلی نیز در سلسله اعصاب اثر فوری بخشیده تغییرات جسمانی سریع را ایجاد می کند و بر شدت عاطفه می افزاید. بعنوان مثال: ترشح غدد آدرنال ( غدد فوق کلیوی ) - که در بحثهای پیش به آن اشاره شد - از کشیدگی عضلات می گاهد، خون رابه سطح بدن میفرستد، ماده گلیکوزن



ناآگاهی و گاه بی اعتنائی و بی تفاوتی بعضی از اولیاء و مربیان را آشکارا درسیمای معصوم افسرده و مایوس یک نوجوان می بینیم و شگفت آور این که بزرگترها خود از مشاهده حالت رقت بار نوجوانشان متأسف و غم زده اند. دختر شانزده ساله ای در یادداشت خود ضمن مطالبی برای من می نویسد: " هنگام صحبت با مادرهایمان، خواهش می کنیم به آنها بگوئید که به عواطف ما نوجوانها بیشتر توجه کنند و برای هر چیز کوچک ما را توبیخ نکنند و این را به پدرهایمان هم بگوئید و بدین وسیله ما را از عذابیهای درونی مان نجات دهید." ولی ما معمولاً از مشاهده شلعه های آتشی که نوجوان را عذاب می دهد عاجزیم.

### ۲. پرسش و پاسخ

نوجوان مقصر است یا مادرش؟ نوجوان مقصر است یا پدرش . . . .

### آگاهی

" عَلِّمُوا أَوْلَادَ نِعْمَةً فَإِنَّ الْمَعْلَمَ خَيْرٌ مِنَ الْمُعَلِّمِ "

زیبا کلام رسول اکرم (ص) بزرگ معلم عالم بشریت را بیاد می آوریم: " تعلیم دهید و خشونت نکنید که آموزگار بهتر از خشونتگر است."

باید دانست که نوجوان از تغییرات دوران بلوغ دچار وحشت می شود و گاه نگرانی، تمام وجود او را احاطه می کند و هر روز به ناراحتی او افزوده می شود و خود را غرق در مشکلات زندگی آینده می بیند و چون توان عقلی کافی

نوجوان پانزده ساله ای (پسر) در بازگشت از مدرسه به خانه، وارد اتاق می شود بلافاصله کتابهای خود را روی فرش انداخته جست و خیز می کند، عاطفه خوشی پای تا سرو وجودش را فراگرفته، ذوق و حالی دارد که برای خیلی از بزرگترها نامفهوم است. مادرش نگاهی حسرت بار به او انداخته می گوید: ای خدا، باز این پسر دیوانه شد. یا باحالت خشم می گوید: مگر تودیوانه شده ای. نه مادر عزیز، پسر شما عاقل است، عاقل سن خود و شما از حال هیجانی او بی خبرید و از شرایط بدنی و انگیزه های او ادراک دقیق ندارید. اینجاست که فرزندان قضاوت شما را ارزیابی می کند و در صحت آن دچار شک و تردید می شود و توصیه های دیگر شما را هم بی اعتبار می داند. حال اگر از این رهگذر لغزشهایی پدید آید چه کسی را باید مقصر دانست؟

باشند و او را یک انسان متعادل و مسئول بار بیاورند و نیروهایش را درجهت مطلوب هدایت کنند. فقط در این صورت، مقام والای مادر و پدر، تجلی خواهد کرد.

#### ۵- مدرسه چه نقشی دارد؟

اگر به کلام پرمعنای پیامبر بزرگوارمان که می فرماید: "فرزند صالح، شاخه گلی از گلپای بهشتی است." دقت کنیم متوجه می شویم که وقتی فرزند ما راهی مدرسه می شود تعداد باغبانان این شاخه گل، فزونی می یابد و تنها راه پرورش مطلوب آن و زیبا و با طراوت نگهداشتن آن، ارتباط دائم، صمیمانه و همچنین همنوایی و همکاری همه باغبانان است. اینک شما را در جریان واقعه‌ای قرار

بقیه در صفحه ۲۹

هم ندارد احساس ناتوانی شدیدی می کند و بی اراده بطرف بزهکاری و سقوط کشیده می شود. اصولاً "خطرات دوران بلوغ از عدم تعلیم و تربیت صحیح و ناآشنائی نوجوان به روشهای مقابله باخطرات مزبور ناشی می شود. دختر سیزده ساله‌ای به علت مواجه شدن باعلائم بلوغ، چون هیچگونه آگاهی قلبی به او داده نشده بود از شدت نگرانی و ترس، دست به خودکشی می زند. شاید شما از شنیدن این واقعه دچار شگفتی بشوید لکن وقتی که شدت عواطف نوجوان را درنظر بیاورید و ناآگاهی والدین او را بپذیرید بجای شگفتی، متأسف خواهید شد.

گرچه تربیت انسان در این دوره از زندگی که بقول کورت لوین "دوره بی سروسامانی" است کار آسانی نیست لکن والدین علاقمند با درک مسئولیت پدری و مادری خود و کسب آگاهی های لازم خواهند توانست در تلطیف عواطف فرزند نوجوان خود نقش موثری داشته





دادن کار را تاچه حد نوجوانان  
در خانواده خود فرامی گیرند؟  
باز بودن محیط خانواده و  
پذیرش افکار و عقاید جدید تا  
چه حد در موفقیت تحصیلی  
نوجوانان دخالت دارد؟

آیا نوجوانان ناموفق در  
تحصیل ، کمتر از سایرین از  
تشویق و دلگرمی اولیاء خود  
برخوردارند؟  
راه مبارزه با مسائل ومشکلات  
طرق درس خواندن و سازمان

## وقتی نوجوانان از اولیاء خود حرف میزنند...

کودکان را در بوجود آمدن عقب افتادگیهای تحصیلی موثر می دانند بلکه نقش مهم خانواده و فضای عاطفی آنها نیز در این مسأله مورد توجه قرار می دهد. در این زمینه محققین بشماري به بررسی کیفیت محیط خانوادگی و اثر آن روی شخصیت کودکان پرداخته و توانسته اند رفتاری را که در خانواده مشوق یادگیری و پیشرفت درسی کودکان یا برعکس باز دارنده آن است تا حدودی مشخص نمایند .

نقش مدرسه در ارتباط با نوجوانان غیر موفق چیست؟

حاصل تحقیقات فراوانی که در بسیاری از کشورهای اروپای غربی در مورد علل ضعف تحصیلی دانش آموزان انجام شده نه تنها عوامل اقتصادی خانواده و کمبودهای ذاتی

موضوعاتی که در طی مصاحبه با دانش آموزان مورد بحث و گفتگو قرار گرفت بشرح زیر بود :

— رابطه شما با پدر و مادرتان چگونه است؟

— شما به عنوان عضوی از خانواده چه نقشی در حل مسائل و مشکلات مربوط به خود دارید؟

— محیط خانوادگی شما تا چه حد از نظر معاشرت با دیگران ، قبول افکار و عقاید تازه بازاست ؟

— مدرسه خود را چگونه می بینید و درمورد آن چه نظری دارید ؟

۱- رابطه نوجوان با خانواده

### نوجوانان موفق

نتیجه تحقیقات نمودار این نکته است که نوجوانانی که از نظر تحصیلی موفقند آسانتر از نوجوانان غیر موفق مقررات و منهیات خانواده خود را می پذیرند و بنظر می رسد که دلیل مقررات و سختگیریهایشان روشن است . برای این گروه از دانش آموزان

ضمن یکی از این تحقیقات که در کشور بلژیک با کمک محققین دانشگاه بروکسل انجام گرفت سه دبیرستان ، جامع ، فنی و حرفه‌ای مورد بررسی قرار گرفتند و محققین با نوجوانان موفق و غیر موفق کلاسهای اول - دوم و سوم ( دختر و پسر) مصاحباتی انجام دادند . روش کار سه اینصورت بود که فهرست شاگردانی را که در سال قبل رفوزه شده و یکی دوسال سابقه رد شدن در امتحانات را داشتند به همراه فهرست شاگردانی با همان شرایط فرهنگی ، اجتماعی که در دوران تحصیل خود شاگردانی ممتاز بشمار می آمدند از مدرسه گرفتند و با کلیه دانش آموزان فوق مصاحباتی انجام دادند . محتوای این مصاحبات برای پیدا کردن علل شکست تحصیلی دانش آموزان مورد مطالعه و بررسی دقیق محققین قرار گرفت . چکیده این مصاحبات در نشریه " آموزش و پرورش کشور " بلژیک تحت عنوان " فعالیتهای جبرانی مدرسه در ارتباط با کمبودهای تربیتی خانواده " به چاپ رسیده است که در این مقاله به برخی از قسمتهای آن اشاره می گردد .



— وقتی مریض می شوم مادرم به مدرسه ام می رود و جزوه های لازم را برایم می گیرد تا درخانه مطالعه کنم .

این دانش آموزان در نتیجه حمایت اولیاء خود احساس اعتماد بنفس می کنند :

— میدانم که دبیرستان را تمام خواهم کرد .  
— پدرم در کار تحصیلی ام زیاد دخالت نمی کند . او میداند بلام چطور کار کنم تا موفق شوم .

— پدر و مادرم به من فشار زیادی نمی آورند . آنها در درجه اول می خواهند من خوشبخت و راضی باشم .

— . . . آنها به من اجازه می دهند اگر در کاری موفق نشدم دوباره شروع کنم . مثلا " دفعه اول که نیمرو درست کردم " ته گرفت " ، دفعه بعد وقتی خواستم نیمرو را در دیس بگذارم به زمین افتاد اما باز گذاشتند امتحان کنم آدم بالاخره یاد می گیرد . . ."  
نوجوانان غیر موفق

بنظر می رسد این گروه از دانش آموزان از مقررات و سختگیریهای خانواده خوددروشه‌های اقتدار گرایانه در محیط خانه و مدرسه رنج می برند و غالبا " علت این سختگیریها برایشان روشن نیست :

— درمدرسه آدم همیشه مجبوراست فلان کار را که می گویند بکند . . .  
— شاید مادرم حق داشته باشد ولی لااقل باید به من بگوید چرا فلان کار برایم قذغن است .

این نوجوانان اولیاء خود را نسبت به خود گاه بی تفاوت و گاه خش می بینند . کمبود توجه در محیط خانه و مدرسه از آنان افرادی

تفاوت چندانی بین مقررات خانه و مدرسه و صحبت‌های ارشادی معلم و اولیاء آنان وجود ندارد . به عنوان نمونه یکی از نوجوانان گروه اظهار می دارد :

— " پدرم عقیده دارد که امسال باید کلاس ورزش را کنار بگذارم . او حق دارد . این کلاس مرا خیلی خسته می کند و نمی توانم آنطور که باید به درسهایم برسم "

صحبت‌های این نوجوانان نشان می دهد که آنان از کمک و راهنمایی اولیاء خود برخوردارند و به اولیاء خود اعتماد دارند و این امر مسلما " در وجود آوردن اعتماد بنفس و تشویق آنان به کوشش برای کسب استقلال فردی کمک می کند .

نوجوان دیگری از این گروه می گوید :  
— " . . . در این مورد بخصوص پدر و مادرم خیلی کمک کردند و باراهنمائیها و نصایح به موقع مانع شدند که به بیراهه بروم . الان وضع خیلی بهتر است . . . "

اولیاء این نوجوانان برایشان ارزش و احترام خاصی قائلند و ضمن اینکه برای هر موفقیت کوچک تشویقشان می کنند برای شکستهایشان آنها را مورد قضاوت قرار نمی دهند و به عبارت دیگر به آنان اجازه عدم موفقیت هم می دهند .

برای این نوجوانان امکان صحبت و بحث با اولیاء وجود دارد . می توانند مشکلات خود را بیان کنند و به ابراز احساسات و عواطف خود و جستجوی راه حل بپردازند . اینان از تشویق و دلگرمی اولیاء خود برخوردارند :

— وقتی مشکل دارم به پدر یا مادرم می گویم . باهم صحبت می کنیم . آنها اگر کاری از دستشان برآید می کنند .

درست برس . هیچوقت نمی گویند : بارک‌الله .  
این کار را خوب انجام دادی .



ماء‌یوس - بکر و گاه عصیانگر می سازد :

- من چند بار به پدرم گفته ام کسه دلم  
می خواهد نقاشی یاد بگیرم اما... او هیچوقت  
علائق مرا جدی نمی گیرد. اصلا " توجه ندارد  
که من چه دوست دارم و چه دوست ندارم .  
- مادرم آنقدر گرفتار است که وقت و حوصله  
رسیدگی به وضع مرا ندارد . این خیلی بد  
است . من اگر روزی بچه دار شوم اینطوری او را  
ول نمی کنم .

این نوجوانان اغلب در مقابل شرایط ناگوار  
و تهدید کننده دچار ترس و اضطراب بیش از  
حدی می گردند :

- پدرم رفتار خشنی از خود نشان می دهد .  
من نمی فهمم ... نمی توانم تحمل کنم ..  
وقتی عصبانی می شود وحشت می کنم .  
می خواهم همه چیز را ول کنم و از خانه  
بیرون بروم .

- با مادرم اگر چیزی در فکرم باشد  
هیچکس نمی تواند جروبخت کند . اصلا "  
گوش نمی دهد . فقط صدایش را بلند می کند .  
در اینطور مواقع هیچ کاری از دست من ساخته  
نیست .

آنها غالبا " از اینکه پدر و مادرشان حوصله  
گوش دادن به حرفهای آنها را ندارند معذبتند :  
- چه فایده دارد آنچه در دلم هست  
بگویم . آنها اصلا " گوش نمی دهند .

- ثلث اول پنج تا تجدیدی داشتم . ثلث  
دوم دوتا تجدیدی داشتم . اما مادرم باز هم  
سرم دادکشید و دعوا راه انداخت . انتظار  
داشتم بگویند : آفرین . اگر همینطوری پیش  
بروی شاید ثلث سوم قبول شوی .

- وقتی کاری که به عهده ام می گذارند  
انجام می دهم می گویند : خوب حالا برو به

نوجوانان عقب مانده تحصیلی احساس  
می کنند کسی برایشان ارزش قائل نیست و از  
اینکه مورد مقایسه با برادران ، خواهران و  
دوستانشان قرار گیرند بشدت رنج می برند .  
دراثر این رفتار آنان کم کم به جایی می رسند  
که دیگر خودشان هم خود را قبول ندارند :  
- مرا باید وادار به کار کنند . من آدم  
خودکاری نیستم .

لطفا " ورق بزنید



— وقتی قرار است بین دوکار سرگرم کننده  
تصمیم بگیرم کدام را انجام دهم — میدانم چه  
کنم .

— پدرم بهم یاد داده که چگونه کار را انتخاب  
کنم که هم سرگرم کننده باشد هم وقت کمتری  
بگیرد و ضمناً خرج و دردسرش هم کمتر باشد .  
این شاگردان در مورد توانائیهای خود  
اعتماد بنفس بیشتری نسبت به گروه ناموفق  
دارند :

— وقتی درس را نمی فهمم ؟ خوب معلوم  
است ، از معلم توضیح می خواهم .

— ما مسائل را در خانه بحث می کنیم و هر  
کدام سعی می کنیم آنچه در حل مشکل بنظرمان  
می رسد بگوئیم . این دانش آموزان اغلب  
آزادانه به ابراز احساسات و عواطف خود می —  
پردازند و قادرند خشم و ناراحتی خود را به  
اولیاء و معلمان خود بگویند .

— وقتی مادرم داد می کشد بی تفاوت  
نمی مانم . آیا هرکس قوی تر است باید فریاد  
بزند؟

— وقتی احساس غم و ناراحتی می کنم با  
پدرم حرف می زنم و حالم خیلی بهتر می شود .  
البته من بیشتر وقتها روحیه شادی دارم .

شاگردان غیر موفق

بنظر می رسد این گروه از شاگردان راه مبارزه  
بامسائل و مشکلات را نمی دانند و اکثراً " به  
راه حل های اتفاقی و تصادفی دست می زنند .  
غالباً " تحت تأثیر وقایع و شرایط قرار  
می گیرند و کمتر خودشان روی وقایع اثر  
می گذارند . مشکلات خود را بندرت می —  
توانند تجزیه و تحلیل کنند و نمی دانند  
چگونه از فرصتها استفاده کنند :



— برای موفق شدن معلم باید از آدم خوش  
بیاید و گرنه فایده ای ندارد .

این دانش آموزان موفقیت های کوچک خود را  
ناشی از هوش و استعداد خود نمی بینند بلکه  
آنها به عوامل خارجی مثل شانس و تقدیر  
وابسته می دانند :

— این دفعه شانس آوردم که نمره ریاضیاتم  
تک نشد .

— فکر می کنم چون عمویم با من کار کرد صفر  
نگرفتم .

این نوجوانان انتظار اولیاء را از خود  
به درستی نمی دانند و بنظرشان می آید که پدر  
و مادرشان به آنان اعتماد کافی ندارند .  
— لابد انتظار دارند برایشان در درس  
نیاشم .

— فکر می کنم دلشان می خواهد مثل همه  
باشم .

— گاهی دلم می خواهد کار دستی بکنم .

مادرم می گوید : این کار بیفایده و بی مصرفی  
است اگر راست می گوئی درست را بخوان .

ولی آدم گاهی احتیاج دارد به اینطور کارها  
دست بزند . آنها فقط کاری را قبول دارند که  
مدرسه گفته باشد .

۲ — یادگیری حل مسائل و مشکلات در خانواده

شاگردان موفق :

نتیجه مصاحبات نشان می دهد که در  
خانواده این نوجوانان محیط برای یادگیری  
روشهای تفکر و عمل مساعد است . نوجوانی از  
این گروه می گوید :

کردند . رفتیم کوه .

برخی از آنان دخالت‌های زیاده از حد اولیاء خود را بسختی تحمل می کنند :

— هیچوقت عقیده مرا نمی پرسند . خودشان

برای من تصمیم می گیرند .

— اگر بخواهم چیزی بگویم مجبورم داد

بزنم . اما بازهم فایده‌ای ندارد .

این نوجوانان توجه ندارند که راه‌حل

بسیاری از مشکلات در یادگیری مبارزه با

آنهاست . موفقیت‌های هم کلاسیهای خود را

ناشی از احساسات مثبت و محبت معلمان

به آنان می دانند .

— در فوتبال من همیشه ذخیره هستم . اگر

معلم ورزش کمی به من اعتماد

داشت وضع خیلی بهتر بود .

— وقتی در کلاس از بغل دستی‌ام

توضیح می خواهم فوراً " اسمم

را یاد داشت می کند چون بامن

خوب نیست .

نوجوانان غیر موفق احساسات

خود را پنهان می کنند و از این که

محبت و احترام اطرافیان خود را

از دست بدهند بسیار بیمناکند .

— وقتی مادرم دعوا می کند

خیلی ناراحت می شوم . می ترسم

اگر جواب بدهم دیگر هرگز بامن

حرف نزند . نمی خواهم کسار

به اینجا بکشد اگر او بامن حرف

نزند هیچکس دیگر را ندارم .

— نمی توانم با پدرم صحبت کنم . خودم

را در سطح او نمی بینم .

— وقتی شبها از تاریکی یا تنهائی می ترسم

به من می گویند خجالت بکش . منمم دیگر

جرات نمی کنم ترسها و نگرانیهایم را بگویم .

— می پرسید وقتی مشکلی دارم چه می

کنم ؟ خوب . بالاخره در آخرین لحظه یک

کاری می کنم . هرچه پیش آید ؛ این حالت

در نوجوانان گروه غیر موفق باعث می شود که

حتی نسبت به وضع سلامت خود هم بی تفاوت

بمانند :

— فکر می کنم انگل داشته باشم چون با

اینکه غذا به اندازه کافی می خورم باز هم

خیلی لاغرم .... نه هیچ دوائی نمی خورم

کاری در این مورد نمی کنم .

— وقتی درس را نمی فهمم یکبار دیگر می

خوانم ولی فایده‌ای ندارد باز نمی فهمم .

بخودم می گویم ولش کن .



این دانش آموزان در مقابل سختگیریهای

اولیاء خود گاه راه مفری می جویند :

— با دوستانم قرار گذاشته بودیم به کسوه

برویم . پدر و مادرم مخالفت کردند . خیلی

اوقاتم تلخ شد بالاخره راهش را پیدا کردم .

گفتم می روم با دوستم درس بخوانم قبول

برای بعضی دیگر از این نوجوانان که در مدرسه درخششی ندارند محیط بیرون از خانه جبران کننده عدم تفاهمی است که در خانواده با آن روبرویند :

— من خیلی بادوستانم بیرون می روم . تا آنجا که بتوانم درخانه نمی مانم چون دائم دعوا و مرافعه برقرار است .

مدرسه از نظر نوجوانان

شاگردان موفق .

دراین مورد برای هردودسته از نوجوانان چه موفق و چه غیر موفق اساسی ترین امرکیفیت رابطه با معلم است . همه افراد گروه بر این عقیده اند که نوع رابطه معلم و شاگرد می تواند به موفقیت یا عدم موفقیت تحصیلی شاگرد بینجامد :

— مهم این است که آدم با معلمش رابطه خوبی داشته باشد .

درمورد اختلافات و بگومگوی اولیاء خود بسیار حساسند و سعی می کنند تا آنجا که ممکن است از حضور درچنین موقعیتهای ناراحت کننده های بگریزند :

— به محض اینکه صدایشان بلند می شود از خانه بیرون می روم .  
۳— باز بودن محیط خانوادگی

نوجوان موفق

کیفیت محیط خانوادگی این نوجوانان به نحوی است که از آن احساس رضایت می کنند و خود را راضی و خوشبخت می پندارند . ازبودن با اولیاء خود لذت می برند و محیط خانه را به بیرون از خانه ترجیح می دهند . باوجود این درمورد تماس و معاشرت با افراد دیگر نیز ابراز علاقه می کنند :

— وقتی با مادرم حرف می زنم درست مثل این است که با دوستم صحبت می کنم . همه چیز را می توانم به راحتی به او بگویم .

— بادوستان هم معاشرت دارم مثلا "روزهای تعطیل یا تابستانها باهم برنامه می گذاریم .  
— درخانه ما روی دوستانم باز است .

نوجوانان ناموفق

درحالیکه برخی از دانش آموزان این گروه از کمبود معاشرت تاءسف می خورند بعضی دیگر تنها ماندن را به بیرون رفتن از خانه و معاشرت با دیگران ترجیح می دهند :

— نه . به من اجازه معاشرت بادوستانم را نمی دهند .

— من هرگز با دوستانم جائی نمی روم .  
اصلا "خوشم نمی آید .



آنهاست . البته هرگز نمی توان ادعا کرد که یک چنین تضاد و دوگانگی آشکاری در بین خانواده های این دوگروه وجود داشته باشد زیرا گاه در خانواده نوجوانان گروه غیر موفق رفتاری شبیه رفتار خانواده های گروه موفق می بینیم و نیز برخی از اولیاء دانش آموزان موفق دارای خصوصیات رفتاری اولیاء گروه ناموفقند اما این موارد نادرست و غالباً " در بین خانواده هایی که دانش آموزان موفق پرورش می دهند یک سلسله رفتار مشترک وجود دارد همانگونه که در بین خانواده های دانش آموزان ضعیف و عقب مانده تحصیلی هم خصوصیات رفتاری مشترکی احساس می گردد .

اختلاف اساسی در بین نوجوانان این دوگروه یکی در تصویری است که از خود در ذهن دارند و دیگر در کیفیت روابطی است که در خانواده و محیط زندگی خود برقرار کرده اند . اختلاف در این است که یک گروه خود را لایق دوست داشتن و محبوب می داند و گروه دیگر از چیزی مطمئن نیست . یک گروه می تواند احساسات و عواطف خود را آزادانه بدون ترس از اینکه مورد قضاوت و تمسخر قرار گیرد ابراز کند و گروه دیگر بروی احساسات و عواطف خود سرپوش می گذارد .

صحنه های این نوجوانان نمودار این نکته است که افراد گروه ناموفق از محیطی که به پرورش و شکوفائی آنان کمک کند بی بهره اند . آنان مدرسه را تداوم بخش محیط خانوادگی خود می دانند و با اینکه بیش از همه شاگردان نیازمند رسیدگی ، توجه و محبت اولیاء مدرسه اند ظاهراً " کمتر از دیگران از آن

- وقتی رابطه انسان با معلم خوب نباشد درس خواندن خیلی مشکل است .

دانش آموزان گروه موفق نسبت به معلمان خود گاه نظر مثبت و گاه انتقاد آمیز دارند :  
- معلمانمانی هستند که تحمل بعضی از بچه ها را ندارند . من شخصا " مشکلی ندارم و لسی بعضی از بچه ها ..... .

- اگر معلم شاگردش را دوست داشته باشد کمکش می کند . نمی گذارد او رد شود .

### نوجوانان ناموفق

دانش آموزان این گروه مشکلات ارتباطی بیشتری با معلمان خود دارند ، درست همانند مشکلاتی که با اولیاء خود دارند در حالیکه این گروه بیش از گروه دیگر نیازمند تشویق و تأییدند و متأسفانه در مدرسه چنین امکانی کمتر برایشان فراهم می شود .

- جرات نمی کنم توضیح بخواهم .

- چند تا تجدیدی داشتم یکی از معلم ها گفت فایده های ندارد . با این وضع به جایی نمی رسی . وقتی چند تا معلم دیگر هم همین حرف را زدند بکلی ول کردم . برای همین است که رفوزه شدم .

- نه . من به خودم امیدواری ندارم !

- با بعضی معلم ها آدم جرات نمی کند حرف بزند . تا یک اشتباه می کنی عصبانی می شوند .

\*\*\*\*\*

نقش مدارس در رابطه با دانش آموزان غیرموفق

مقایسه تجربیات زندگی این دوگروه دانش آموز نمودار تفاوت محیط خانوادگی



بهره مند می شوند. در این مورد از اولیاء مدرسه انتظار می رود که از پیامهای منفی به نوجوانان که اثری جز ازدیاد رنج و کاهش اعتماد بنفس در آنان ندارد بکاهند و در عوض با ایجاد محیطی گرم و صمیمی پیامهایی مثبت و پسر محتوا به آنان ارسال دارند. شاید بدینوسیله بتوان آثار نامطلوب محیط زندگی این دانش-آموزان را تا حدودی کاهش داد یا خنثی نمود به همین ترتیب تجزیه تحلیل مصاحبات دانش آموزان مشخص می دارد که تا چه حد کیفیت رابطه دانش آموز با معلم می تواند در پیشرفت یا شکست تحصیلی وی موثر باشد.

معلمی که مایل است رابطه جدید و پرتفاهمی بانوجوانان داشته باشد باید بتواند از نقش اقتدار گرایانه خود یعنی نقشی که معلم راننها دارنده دانش، دانائی و توانائی می پندارد بیرون آید و با پذیرش و قبول نوجوان به همانگونه که هست به او کمک کند تا در زمینه هایی که دارای استعدادهایی است فعالیت کند و موفق شود. این موفقیت هابدون شک در برگرداندن اعتماد بنفس از دسترفته موثر واقع خواهد شد. این قبیل دانش-آموزان باید تشویق شوند که استعدادهای توانائیهای خود را در زمینه های غیر درسی بروز دهند و به ابراز احساسات و عواطف خود بپردازند و از ترسها و نگرانیهای خود پرده بردارند.

ایجاد کلاسهای تقویتی در مدرسه به نحوی که شاگردانی که مشکل درسی دارند بتوانند در خارج از ساعات درسی ضمن تماس با معلم مربوطه مشکلات را مرور کنند و بدون اینکه بخاطر ندانستن خود مورد تمسخر قرار گیرند به رفع مشکلات درسی خود بپردازند می تواند بسیار

### موثر واقع گردد.

راه دیگر برای کمک به این نوجوانان این است که به آنان بیاموزیم چگونه درس بخوانند و کار خود را سازمان دهند. بسیاری از نوجوانان گروه غیر موفق در سازمان دادن کارهای درسی خود ناتوانند و اولیاء آنان نیز نمی توانند در این مورد کمکشان کنند.

راه موثر دیگر تعیین شاگردان کلاسهای بالاتر برای کمک به شاگردان کم سن تر است. تجربیات انجام شده در بسیاری از مدارس نشان داده است که برخورد و تعامل و درس خواندن شاگرد با فردی که بمقدار کمی از او مستتر است می تواند به مقدار زیاد در تقویت درس وی موثر باشد. این قبیل تماسها احساس مسئولیت و همکاری را در شاگرد بزرگتر نیز پرورش خواهد داد.

به هر حال این دسته از شاگردان نیازمند یافتن راهی برای موفقیتند. راهی سواي آنکه همواره آنان را به عقب رانده است. اولیاء مدارس می توانند با تدابیری خردمندانه به این نوجوانان غیر موفق راه ورودی دیگر و دیدگاهی دیگر برای موفقیت و پیشرفت بنمایانند.

از سینه و کف دست و پا و سینه و کف دست و پا  
 می کشد  
 می کشد  
 که به خانه بماند  
 مدرسه نشاند  
 - از همین خبری که در این روزها  
 زندگی می کشد  
 - دانش آموزان  
 های تکثیر انجمن  
 زندگی می کشد  
 بست بهانه خوبی  
 محمود را اعزاز می کشد  
 اتاق رئیس مدرسه وقتی پدر و مادر  
 به هندوگر می رفتند  
 هندوگر را به آن روزی کشد و کرد  
 معتمد رفت بار خالی است  
 گریستن می گوید  
 - فرزندان - امروز بیرون خانه خودمان  
 - سینه - من آمدم  
 - سینه - باقی  
 سینه - یعنی آمدم خود را از آفتاب بدرنگ  
 می کشد -  
 گناکشی و جدال عاطفی - همانا کسی است  
 محمود اشک دور از نهاد پدر فرو برود  
 به دعوت پدر که بخانه شان برود  
 پاسخ مثنوی می دهد  
 سینه - باقی  
 سینه - یعنی آمدم  
 سینه - یعنی آمدم